

روستای قهی

منصوره کریمی قهی
دبیر آموزش و پرورش

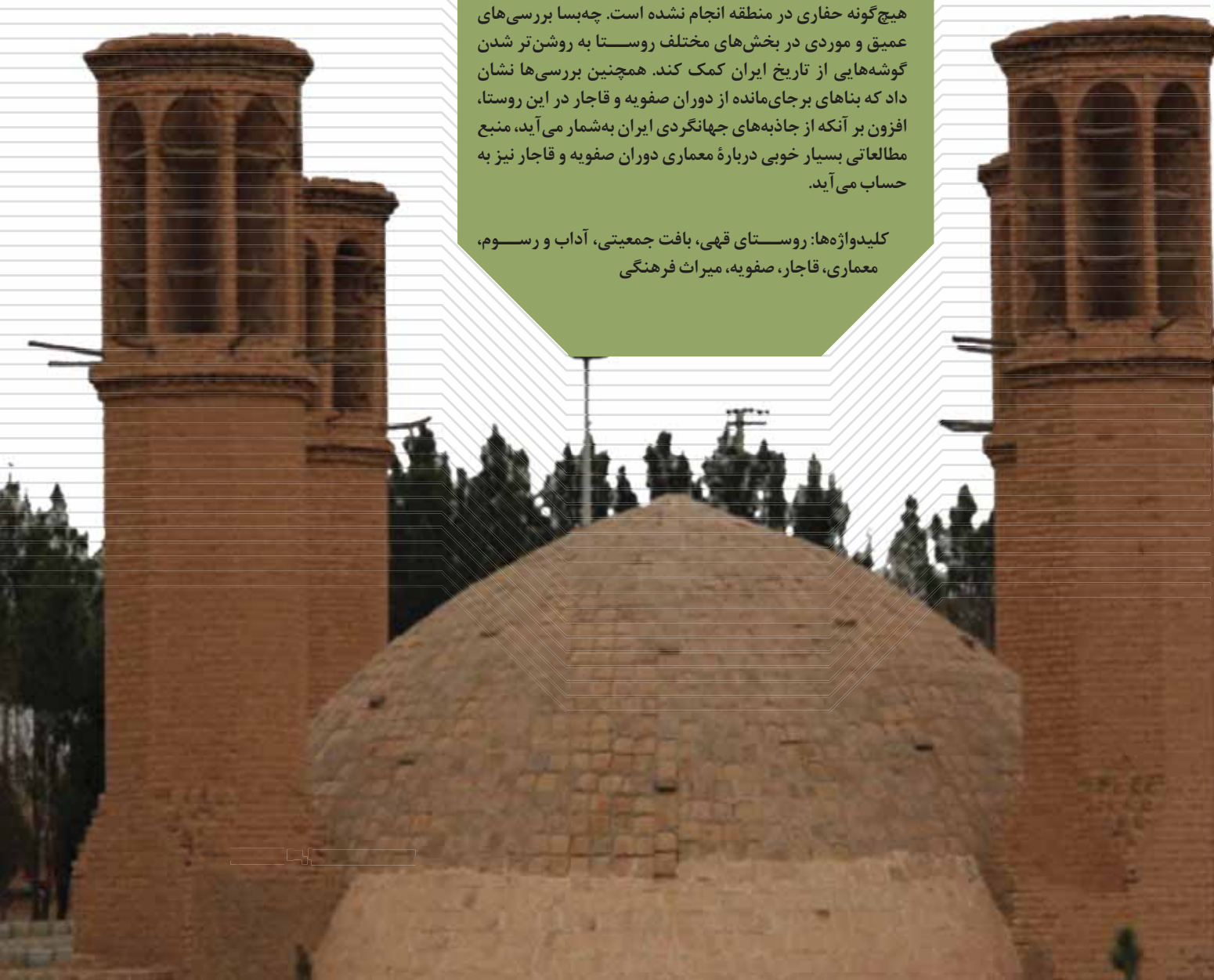
اشاره

مقاله حاضر به بررسی تاریخ، جغرافیا، معماری و آداب و رسوم یکی از روستاهای استان اصفهان با نام «قهی» می‌پردازد. این روستا که قدمت تاریخی آن به پیش از اسلام می‌رسد، در سال ۱۳۸۴ در فهرست آثار ثبت‌شده ملی قرار گرفت. هدف از این بررسی، آشنایی با موقعیت و ویژگی‌های جغرافیایی و جاذبه‌های طبیعی و تاریخی روستای قهی و مطالعه وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستا در گذر زمان است.

پژوهش حاضر با روش تک‌نگاری، مطالعه میدانی و کتابخانه‌ای انجام گرفته است. بخش زیادی از اطلاعات مربوط به طایفه‌های مختلف ساکن روستا، آداب و رسوم و پیشینه تاریخی روستا، حاصل گفت‌وگو با بزرگان اهل روستاست. بخش دیگر اطلاعات حاصل مشاهدات مستقیم از روستا و آثار تاریخی آن است. در بررسی پیشینه تاریخی روستا از کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی و تاریخ‌های حک‌شده روی سنگ‌قبرها و آثار معماری برجای‌مانده، بهره گرفته شد.

بررسی حاضر نشان داد که قدمت روستای قهی به پیش از اسلام می‌رسد. با این حال، برای کشف آثار تاریخی بیشتر هنوز هیچ‌گونه حفاری در منطقه انجام نشده است. چه‌بسا بررسی‌های عمیق و موردی در بخش‌های مختلف روستا به روشن‌تر شدن گوشه‌هایی از تاریخ ایران کمک کند. همچنین بررسی‌ها نشان داد که بناهای برجای‌مانده از دوران صفویه و قاجار در این روستا، افزون بر آنکه از جاذبه‌های جهانگردی ایران به‌شمار می‌آید، منبع مطالعاتی بسیار خوبی درباره معماری دوران صفویه و قاجار نیز به حساب می‌آید.

کلیدواژه‌ها: روستای قهی، بافت جمعیتی، آداب و رسوم، معماری، قاجار، صفویه، میراث فرهنگی



مقدمه

مطالعه در روابط انسانی و زندگی گروهی و اجتماعی در ارتباط با محیط، تغییر و تحولات مناطق روستایی و گسترش بنیان‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این جوامع، از جمله مسائلی هستند که در تحقیقات روستایی مورد بررسی قرار می‌گیرند. تحقیق در احوال و افکار عامه مردم از نظر جامعه‌شناسی کاری بسیار سودمند است. در زبان و قلب توده مردم، بسی حکایات و امثال و اصطلاحات موجود است که هر یک به‌سان سند معتبری می‌ماند و بیانگر خصوصیات اخلاقی و روحی، اجتماعی و سیاسی حیات گذشته مردمان آن دیار است.

مونوگرافی یا تک‌نگاری یکی از شیوه‌های مطالعه جوامع کوچک است که اطلاعات کافی در زمینه ساخت اجتماعی و اقتصادی آن‌ها وجود ندارد. تک‌نگاری، توصیفی ژرف و همه‌جانبه از یک ده یا یک خانواده یا یک طایفه است که ضمن آن اوضاع اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی و فرهنگی و کلیه جزئیات زندگی مردم بررسی می‌شود. در این مقاله کوشش شده است تا با استفاده از تک‌نگاری و مطالعه میدانی، ضمن بررسی پیشینه تاریخی، معماری، بافت جمعیتی و آداب و رسوم روستا، اطلاعات دقیق‌تری درباره قدمت تاریخی روستای قهی و آداب و رسوم اهالی آن ارائه شود.

موقعیت جغرافیایی

روستای قهی در ۸۰ کیلومتری شهر اصفهان و در بخش جلگه و دهستان امامزاده عبدالعزیز قرار دارد. از طرف شمال به کوهپایه و از جنوب و مغرب به رودشت و دیه‌های اطراف آن راه دارد (مهریار، ۱۳۸۷: ۳/۲۸۷).

وجه تسمیه روستا

واژه قهی (Qahi) از ترکیب دو جزء «قه» و «هی» تشکیل شده است. در وجه تسمیه این روستا دو روایت نقل شده است. به یک روایت، «قه» تازی شده «که» و به معنای قنات و جوی آب است و «هی» علامت نسبت است که روستا را به قنات یا قنات را به روستا منسوب می‌کند (مهریار، ۱۳۸۷: ۳/۲۸۸). به روایت دیگر، قهی معرب کهی و به معنای جای پست در مقابل واژه کوهپایه است.

قرار گرفتن روستا در منطقه نیمه‌بیابانی حاشیه کویر، نداشتن رودخانه، کمبود ریزش‌های جوی و وجود قنات و آب‌انبارهای قدیمی در روستا، روایت نخست را تأیید می‌کند. ضمن آنکه در منابع جغرافیای متقدم از ناحیه «قهاب» در استان اصفهان یاد شده و علت نام‌گذاری آن، استفاده اهالی از آب باران (یاقوت، ۲۰/۴) و کاریز (حمدالله مستوفی، ۵۱: ۱۳۶۲-۵۰) بیان شده است. بنا به دلایل گفته‌شده، به نظر می‌رسد واژه «قهی» هم‌معنا با واژه قهاب است.

آب و هوا و پوشش گیاهی روستا

آب و هوای روستا مانند تمام مناطق نیمه‌بیابانی، گرم و خشک است. به‌رغم روزهای بسیار گرم در فصل تابستان، شب‌ها هوای روستا خنک و مطبوع است. بیشترین ریزش باران در پاییز و زمستان است که هوا بسیار سرد می‌شود و بادهای شدید می‌وزد.

روستای قهی از نظر پوشش گیاهی و مراتع در گذشته وضعیت مطلوبی داشته است. همین مسئله در فصل بهار دامداران را به روستا می‌کشاند و آنجا را به مرکز شترداری ایران تبدیل کرده بود. در این منطقه ۲۹ گونه گیاهی شناسایی شده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: اشنون، گز، شور، تقاله، صندل و....

کشاورزی دیم در روستا رونق داشته و محصولاتی چون گندم، جو، چغندر، شلغم، هویج، شاهدانه، یونجه و ارزن (گزر) در اراضی کشاورزی کشت می‌شده است. به دلیل کاهش ریزش‌های جوی و خشک شدن قنات‌ها، هم‌اکنون کشاورزی رونقی ندارد.

پیشینه تاریخی

روستای قهی در تاریخ ۱۳۸۴/۵ به شماره ۱۳۶۰۰ در فهرست آثار ثبت‌شده ملی قرار گرفت. میراث فرهنگی حدود بیست بنای مربوط به دوره صفویه و قاجار را به ثبت ملی رساند، اما شواهد نشان می‌دهد که این روستا قدمت بیشتری دارد.

متون جغرافیایی و تاریخی متقدم و متأخر، مانند بلدان، تاریخ یعقوبی، تاریخ طبری، احسن التقاسیم، حدود العالم، معجم البلدان، تقویم البلدان، مسالک و ممالک، آثار البلاد و نزهی القلوب، نامی از روستای قهی نبرده‌اند. یاقوت حموی (یاقوت حموی، ۲۶۴/۱ و ۴۱۷) و حمدالله مستوفی (حمدالله مستوفی، ۵۱: ۱۳۶۲-۵۰) به برخورد و



شکل (۱) بافت مساجد روستا

قهاب اشاره کرده و این مناطق را از بخش‌های اصفهان برشمرده‌اند، اما ذکری از روستای قهپی به میان نیاورده‌اند.

در سفرنامه‌های متقدم و متأخر، مانند *رحلة ابن جبیر* و *رحلة ابن بطوطه* نیز ذکری از روستای قهپی به میان نیامده است.

میرزا غلامحسین افضل‌الممالک، که در قرن دهم از اصفهان دیدن کرده، در سفرنامه خود به بخش‌ها، ولایات و بلوکات اصفهان از جمله قهاب، برخوار و قهپایه (کوهپایه) اشاره کرده، اما نامی از قهپی نبرده است (افضل‌الممالک، ۱۳۸۰: ۲۳، ۷۸، ۸۰ و ۹۶).

قدیمی‌ترین منبع مکتوب که به نام روستا اشاره کرده، کتاب *زبدة التواریخ* است. حافظ ابرو در ذکر حوادث سال ۸۳۳ هجری قمری، ضمن شرح لشکرکشی امیرزاده پیرمحمد، نوه تیمور گورکانی به نواحی حومه اصفهان، به مقاومت ساکنان قلعه قهپیز (قهپی) در مقابل تعدادی از لشکریان امیرزاده اشاره کرده است. بر طبق روایت حافظ ابرو، در این زمان دیوار قلعه بسیار کهنه و فاقد خندق بود، با این حال، سپاه امیرزاده تیموری موفق به تسخیر آنجا نشد (۱۷۸۳). با توجه به اینکه هم‌اکنون در روستا ویرانه‌های دو قلعه موسوم به قلعه شیخ و قلعه آتشگاه برج‌مانده است، شاید بتوان احتمال داد قلعه قهپیز اشاره به یکی از این دو قلعه دارد. بر این اساس می‌توان گفت قدمت روستا به قرن هشتم می‌رسد.

تاریخ‌های حک شده روی سنگ‌قبرهای قدیمی گورستان روستا و اسناد برج‌مانده از مکاتبات اهالی از قدمت روستا تا دوره صفویه حکایت دارد. بر روی سنگ‌قبرهای قدیمی تنها گورستان روستا، تاریخ‌های ۹۳۳، ۱۱۷۴ و ۱۱۷۶ هجری قمری حک شده است.

در بین اسناد موجود روستا، اسنادی مربوط به دوره افشاریه، قاجار و پهلوی دیده می‌شود. این اسناد، که شامل مکاتبات دیوانی و شخصی برخی افراد سرشناس و روحانیون وقت از جمله احکام و فرامین

ظل‌السلطان، حاکم وقت اصفهان، مکاتبات ارباب محمد اسماعیل و فرزندان، آیت‌الله میرزا ابوالحسن قهپی و میرزا ابوالقاسم خان، از مشاوران رکن‌الملک در حکومت ظل‌السلطان، حاکم وقت اصفهان و... است، به مسائلی چون سربازگیری، درخواست تفنگچی، مالیات، آسیاب، کشاورزی، امور تجاری، برقراری امنیت، امور کدخدایی، انتخابات مجلس شورای ملی و حوادث قبالة ازدواج پرداخته شده است. قدیمی‌ترین سند مکتوب برج‌مانده به سال ۱۱۲۴ هجری قمری و دوره حکومت نادر افشار مربوط است.

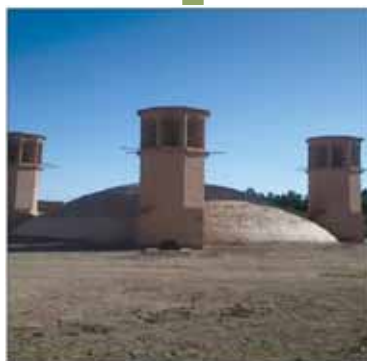
دیگر منبع مکتوب که اطلاعات کمی از روستای قهپی در اوایل دوره پهلوی در اختیار ما می‌گذارد، لغت‌نامه دهخداست. در جلد یازدهم این کتاب از روستای قهپی نام برده و نوشته شده است: «قهپی دهی از دهستان حومه بخش کوهپایه شهرستان اصفهان با ۲۵۶ نفر سکنه است (دهخدا، ۱۳۷۳/۱۱: ۱۵۷۱۳/۱).

جدیدترین یافته‌های تحقیقی که قدمت روستا را به پیش از اسلام

می‌رساند، اظهارات ماکسیم سیرو، استاد معماری دانشگاه تهران است که حدود ۶۰ سال پیش از روستای قهپی دیدن کرده است. وی با بررسی معماری مسجدجامع و بنای امامزاده شاه‌عبدالواحد، قدمت روستا را به پیش از اسلام می‌رساند. به گفته وی، بنای اصلی مسجد، چهارطاقی بوده که به سبک معماری ساسانی ساخته شده و جایگاه مراسم آیینی زرتشتیان بوده است (سیرو، ۱۳۵۹: ۵۸/۱). به نظر وی، این بنا پیش از کارکرد فعلی‌اش، معبد زرتشتی بوده است (همان: ۵۹). سیرو از روستای قهپی به‌عنوان مرکز یکی از آخرین معابد محلی زرتشتی نام می‌برد (همان).

بافت جمعیتی روستا

براساس سخنان اهالی قدیمی روستا و بناهای قدیمی موجود، روستای قهپی در اواخر دوره قاجار پررونق و از جمعیت قابل توجهی برخوردار بوده است. بنا به گفته کهن‌سالان روستا، جمعیت روستا در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی در حدود سه‌هزار نفر بوده است. بخشی از این رونق به دلیل اشتغال اهالی به شغل شترداری بوده است. در اوایل قرن ۱۴ هجری قمری به دلیل کاهش ریزش‌های جوی، خشک شدن یا کم شدن آب قنات‌ها، زمین‌های کشاورزی خشکید و بسیاری از کشاورزان بیکار شدند. همچنین به دلیل شیوع بیماری در بین شترها، بسیاری از شترداران، شترهای خود را از دست دادند و شغل شترداری از رونق افتاد و رونق و آبادی به زودی به پایان رسید. مشکلات معیشتی، بسیاری از اهالی روستا را، راهی دیگر شهرها کرد. به دلیل مهاجرت بسیاری از جوانان و خانواده‌های روستا به تهران، جمعیت روستا با کاهش چشمگیری مواجه شد. در لغت‌نامه دهخدا، تعداد سکنه روستا، ۲۵۶ تن ثبت شده است (دهخدا، ۱۳۷۳/۱۱: ۱۵۷۱۳/۱). اگر صحت این اطلاعات درست باشد، نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰



شکل (۲) بادگیرهای روستا

روستای قهپی از کمترین نرخ جمعیت برخوردار بوده است. ظاهراً در سال‌های بعد، جمعیت روستا افزایش می‌یابد. بنا به سرشماری سال ۱۳۳۵، جمعیت روستا ۸۵۲ نفر بوده، که از دوره پهلوی اول افزایش بیشتری داشته است. با گذشت زمان و به رغم توسعه امکانات رفاهی و بهداشت روستا در بعد از انقلاب اسلامی و برقراری شبکه آب، گاز، برق و تلفن، جمعیت روستا افزایش نیافت. هم‌اکنون جمعیت روستا در حدود ۸۰۰ نفر است (انتشارات مرکز آمار).

درباره ساکنان بومی روستا در منابع مکتوب، اطلاعاتی در دست نیست، اما با توجه به ساکنان فعلی روستا و افرادی که به دیگر شهرها مهاجرت کرده‌اند، می‌توان دریافت بافت جمعیتی روستا بسیار متنوع بوده است. حضور طایفه‌های مختلف چون برخواری، گرمی، رستمی، کاظمی و اشرفی در روستا مؤید این سخن است. همه این خانوارها بومی روستا نبوده‌اند، برخی از آن‌ها از روستاها و بخش‌های دیگر

اصفهان و تعدادی از شهرهای دیگر ایران به روستا مهاجرت کرده و ساکن آنجا شده بوده‌اند.

عده‌ای از برخوار و فشارک اصفهان به روستا آمدند و در آنجا ساکن شدند. یکی از قدیمی‌ترین اهالی روستا که بر سنگ قبر وی تاریخ ۹۳۳ هجری قمری حک شده، ملاعلی، اهل برخوار اصفهان است که تعداد زیادی از اهالی روستا از نسل وی هستند. از دیگر اهالی روستا که از فشارک اصفهان به روستا کوچ کردند، گرمی‌ها و رستمی‌ها بودند. علاوه بر این طایفه‌ها، که اصالتاً اصفهانی بودند، افراد زیادی از استان‌های فارس، یزد، خراسان و ... به روستا آمده بودند. به نظر می‌رسد پیشه شترداری و رفت‌وآمد کاروان‌های تجاری به مناطق مختلف در تنوع جمعیتی روستا تأثیر گذاشته است. احتمالاً برخی از ساکنان سایر شهرها همراه شترداران به روستا آمدند، در آنجا سکنی گزیدند و تشکیل خانواده دادند. عده‌ای نیز در جست‌وجوی کار، راهی این منطقه شده بودند. دو طایفه کاظمی و مرتضوی از شهر یزد به روستا کوچیدند. مرتضوی‌ها، که نامشان از نام جدشان مرتضی برگرفته شده است، مقنّی بودند. آن‌ها بعد از سکونت در روستا پیشه مقنّی‌گری را ادامه دادند. اشرافی‌ها از اطراف مشهد به اصفهان آمدند و بعد از اقامت در روستا به مهتری روستا رسیدند. قره‌ی‌ها که از ایل قره‌ای (شاخه‌ای از ایل قشقایی) بودند از شیراز به اصفهان کوچیدند و در قه‌ی ساکن شدند. بعد از اشرافی‌ها، قره‌ی‌ها ریاست روستا را برعهده گرفتند و خان‌های روستا از میان آن‌ها برخاستند. اقوام مختلفی که از دیگر شهرها مانند شیراز، یزد، مشهد، کرمان و ... مقیم روستا می‌شدند، به تدریج در همان‌جا تشکیل خانواده دادند و رنگ و بوی اصفهان گرفتند.

اهالی روستا مسلمان و شیعه هستند. پیشینه تاریخی روستا وجود ویرانه‌های چند آتشگاه، نشان از حضور زرتشتیان در این منطقه می‌دهد. به گفته اهالی در دوره قاجار تعدادی از یهودیان، که پیشه دوره‌گردی داشتند به روستا رفت‌وآمد می‌کردند و اشیای قیمتی، ظروف مسی و .. را از اهالی می‌خریدند و در مقابل، پارچه و دیگر مایحتاج اهالی را به آن‌ها می‌فروختند. البته موضوع سکونت یهودیان در منابع مکتوب نیامده است.

مشاغل روستا

مهم‌ترین مشاغل روستا که در اواخر دوره قاجار در میان ساکنان روستا رواج داشت، شترداری، کشاورزی، دامداری، مقنّی‌گری، گلیم‌بافی، کرباس‌بافی و سفالگری بود.

مهم‌ترین و اصلی‌ترین پیشه اهالی شترداری بود. تعدادی از بزرگان روستا شتردار و دارای صدها نفر شتر بودند. این افراد، تعدادی از اهالی را به‌عنوان کارگر در خدمت داشتند و مال‌التجاره تجار و سایر مردم را از شهری به شهر دیگر می‌بردند. حمل‌ونقل بار در استان‌های اصفهان، شیراز، بوشهر و انزلی در انحصار آن‌ها بود. شتردارها معمولاً سه تا چهار ماه دور از روستا به سر می‌بردند. در بعضی از سفرها، عده‌ای را استخدام می‌کردند تا در حمل بارها کمک کنند. برخی از این افراد وقتی به روستای قه‌ی آمدند، همان‌جا ساکن شدند.

از دیگر مشاغل روستاییان، دامداری و کشاورزی بود. خان‌های ده بیشترین دام را در اختیار داشتند. رعیت‌ها برای خان دامداری می‌کردند. تعدادی از اهالی به کار چوپانی می‌پرداختند. آن‌ها دام‌های

اهالی و به‌ویژه خان را به صحرا می‌بردند. کشاورزان روستا روی زمین‌های اربابی کار می‌کردند. کشاورزان در مزارع اطراف روستا مانند مزرعه سفید، مزرعه شور و ... ساکن بودند. علاوه بر مردان، زنان نیز در کشاورزی کمک می‌کردند. به دلیل کمبود باران و نبودن رودخانه در روستا، کشاورزی به‌صورت دیم انجام می‌شد. بخشی از آب کشاورزی از قنات‌ها تأمین می‌شد. روستای قه‌ی دارای چند قنات بود که امروزه خشک شده‌اند. مهم‌ترین محصولات کشاورزی این روستا، گندم، شلغم و هویج بودند.

از دیگر مشاغل روستا سفال‌سازی، مقنّی‌گری و آسیابانی بود. روستا دارای یک کارگاه سفال‌سازی بود که مردان در آنجا ظروف سفالی، مانند کوزه، پارچ، لیوان، کاسه و ... می‌ساختند. تا سال ۱۳۳۰ کارگاه سفال‌سازی دایر بود و مردان در آنجا مشغول به کار بودند. برخی از اهالی روستا به‌خصوص افرادی که از یزد به روستا کوچ کرده بودند، به شغل مقنّی‌گری مشغول بودند. کمبود آب و بارندگی موجب می‌شد حفر چاه و قنات همواره موردنیاز باشد. آسیابانی شغل دیگر تعدادی از روستاییان بود. در روستا پنج آسیاب بزرگ وجود داشت که اکثر اهالی گندم خود را برای آسیاب به آنجا می‌بردند، اگرچه در همه خانه‌های روستا، آسیاب‌دستی و تنور بود و زنان آرد موردنیاز برای تهیه نان و ... را تهیه می‌کردند. تعدادی از اهالی روستا نیز مغازه‌های تدارک دیده و مایحتاج اهالی را در آنجا به فروش می‌رساندند. در حدود هفتاد سال پیش پنج مغازه بقالی در قه‌ی وجود داشت. چند نفر از اهالی نیز پینه‌دوز بودند و به تعمیر کفش‌ها و گیوه‌های ساکنان روستا می‌پرداختند.

کرباس‌بافی، گلیم‌بافی و خیاطی از جمله شغل‌های زنان بود. معمولاً زنان در خانه به بافت گلیم و کرباس می‌پرداختند. سفره‌ها و پارچه‌های کرباسی به رنگ سفید، آبی یا سیاه محصول کار زنان روستا بود. خیاطی هم بر عهده زنان بود که علاوه بر لباس زنانه و بچه‌گانه، پیراهن و شلوار و کت‌های مردانه نیز می‌دوختند. کرباس‌بافی و گلیم‌بافی و سفال‌سازی از صنایع دستی روستا به شمار می‌آمد. محصولات دستی‌باف روستا در داخل روستا یا روستاهای اطراف فروخته می‌شد. این کار بر عهده دوره‌گردها بود.

معماری روستا

روستای قه‌ی مانند سایر روستاهای ایران، دارای بافتی متمرکز بوده است. کوچه‌های روستا به بازارچه‌هایی منتهی می‌شدند که دارای چهارطاقی بود.

روستا از دو محله تشکیل می‌شد که به آن‌ها محله بالا و محله پایین می‌گفتند. هر محله دارای چند مسجد و یک حسینیه بود. مراسم عزاداری ماه محرم در این حسینیه‌ها برگزار می‌شد. آخوند روستا که کار مکتب‌داری نیز برعهده وی بود، مراسم عزاداری را برپا می‌کرد. مسجد اصلی روستا، مسجد جامع بود که هنوز پابرجاست. علاوه بر مسجد جامع، روستا دارای نه مسجد دیگر بود.

مسجد حاجی آقاچان از مسجدهای قدیمی روستا در محله برزه واقع است که یک اتاق بیست‌متری و سقف گنبدی با ارتفاع کوتاه دارد. این مسجد کوچک دارای دو در برای ورود خانم‌ها و آقایان بوده است. داخل مسجد زیلویی است که روی آن نوشته شده: «در سال ۱۳۱۷ هجری قمری وقف مسجد شده است.» این تاریخ قدمت بنای مسجد

را نشان می‌دهد.

بنای امامزاده عبدالواحد از دیگر آثار قدیمی روستاست. به ادعای ماکسیم سیرو، معماری بنای اصلی به سبک ساسانی است و قدمت آن به پیش از اسلام برمی‌گردد. بنای قدیمی در حال حاضر از بین رفته است.

از دیگر بناهای قدیمی که ویرانه‌های آن برجای مانده، دو آتشگاه است. این آتشگاه‌ها نشان از دیرینگی تاریخ روستا دارد و مؤید آن است که از زمان‌های پیش از اسلام این منطقه محل سکونت زرتشتیان بوده است.

دیگر بنای قدیمی روستا، حمام حاج‌آخوند است که در سال ۱۳۱۲ هجری قمری در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار بنا شد. دارای فضای گرم‌خانه و سربینه است. چون خانه‌های روستایی حمام نداشتند، اهالی از حمام‌های عمومی استفاده می‌کردند. روستا دارای چند حمام بود که به نام سازنده‌های آن‌ها معروف بود. از جمله حمام حاج‌آخوند، حمام خان‌نایب، حمام حاج‌خان.

از بناهای دیگر روستا، آب‌انبارهاست. برخلاف سایر بناها و خانه‌های روستا که از خشت و گل ساخته می‌شد، در نمای این آب‌انبارها آجر هم به کار رفته است. روستای قهی دو آب‌انبار به نام‌های «حاج‌مختار» و «خان‌نایب» دارد. آب آن‌ها از جوی‌هایی تأمین می‌شد که از جبل کوهپایه می‌آمد. این آب قبل از ورود به آب‌انبار، داخل استخر

ساخته و از دو قسمت سقف‌دار و بدون سقف تشکیل می‌شد. قسمت سقف‌دار برای نگهداری شترها در زمستان استفاده می‌شد. قسمت بدون سقف که بهارند نام داشت برای نگهداری شترها در فصل بهار و تابستان بود.

خانه‌های روستا

خانه‌های موجود روستا شامل خانه‌های اربابی و خانه‌های سایر اهالی است. خانه‌های اربابی بسیار بزرگ و زیبا ساخته شده است. برای ساخت خانه‌ها از معماران یزدی و شیرازی استفاده می‌کردند. از مهم‌ترین خانه‌های اربابی، که امروزه در فهرست میراث فرهنگی قرار گرفته است، می‌توان به خانه‌های ابوالقاسم‌خان، ابوتراب‌خان (حاج داراب)، حاج‌آخوند، علیرضا قرهی، حاج امین‌الله قرهی، حاج حسن قرهی و... اشاره کرد.

در اطراف روستا مواضع دفاعی (خندق، برج و بارو و...) وجود نداشته است. معمولاً ارباب وظیفه دفاع از اهالی را برعهده داشت. معماری بناهای اربابی به‌صورت قلعه‌ای با دیوارهای بلند و گاه دارای برج بود. ساخت برج‌های نگهبانی در کنار خانه‌های اربابی برای حفاظت اهالی روستا بود. معمولاً در داخل برج‌ها افرادی برای نگهبانی حضور داشتند. آثار گلوله هنوز بر دیوار برج‌ها نمایان است. همه خانه‌ها از خشت و گل ساخته شده‌اند. نمای بیرونی خانه‌ها گاه



شکل (۳) ساختمان مسکن روستا

با روزه‌های زیبای مشبک آجری یا خشتی تزیین شده است. خانه‌ها دارای حیاط بزرگ بود و در اطراف حیاط، اتاق‌های بزرگ پنج‌دوری و سه‌دوری قرار داشت. ارتفاع اتاق‌ها بیش از سه متر بود. معمولاً سقف خانه‌ها را گنبدی می‌ساختند تا هنگام بارندگی، خاک و گل سقف پایین نریزد. بعضی خانه‌ها دارای بادگیر بودند. درهای اتاق‌ها چوبی بود. در بعضی خانه‌ها درهای اتاق‌ها شیشه داشت.

اکثر خانه‌ها یک طبقه بود. البته در حدود صد سال پیش چند خانه دو طبقه نیز ساخته شده است. بعضی از خانه‌های روستا دارای یک یا چند اتاق بر روی بام یا در طبقه بالا بود که به آن بالاخانه می‌گفتند. از دیگر ویژگی خانه‌های روستا سردرهای بزرگ و زیباست. سردر بیشتر به شکل یک نیم‌گنبد با کاربردی یا طاق گهواره‌ای با آجرهای ضربی یا طاق کجاوه‌ای ساخته می‌شد. درهای ورودی چوبی و دارای

می‌ریخت و در آنجا صاف می‌شد.

آب‌انبار حاج‌مختار، آب‌انبار محله بالا بود که معماری آن به دوره فتحعلی‌شاه مربوط است. آب‌انبار در بخش شمالی روستا قرار دارد و دارای گنبدی به قطر چهارده متر و چهار بادگیر تک‌دهانه به ارتفاع هفت متر است. در بالای سردر ورودی آب‌انبار، بالاخانه‌ای برای استراحت افرادی ساخته شده بود که منتظر نوبت آب بودند.

آب‌انبار خان‌نایب که آب‌انبار کدخدا یا آب‌انبار محله پایین بود، مربوط به دوره ناصرالدین‌شاه است. این آب‌انبار در بخش غربی روستا قرار گرفته و قطر پوشش گنبدی آن یازده متر است. آب‌انبار چهار بادگیر هشت‌وجهی به ارتفاع ده متر دارد.

از دیگر آثار معماری روستا شترخان‌ها هستند. ساخت این بناها به دلیل پیشه شترداری مرسوم بود. شترخان‌ها در کنار منزل شترداران

شکل (۴) نمای برج و باروی روستا



پارچه و لباس‌ها را در صندوق نگه می‌داشتند.

آموزش

در روستای قهی دو یا سه مکتب‌خانه بود که پسران در آنجا درس می‌خواندند. مکتب‌دار یک روحانی بود که در محرم مراسم عزاداری را هم برپا می‌کرد. برای ادامه تحصیل، پسران راهی شهر می‌شدند. عده‌ای به حوزه علمیه اصفهان می‌رفتند و مقدمات علوم دینی را فرامی‌گرفتند، سپس در کسوت روحانی به روستا بازمی‌گشتند. برخی نیز برای تحصیلات آکادمیک راهی تهران می‌شدند. دختران در مکتب‌خانه آموزش نمی‌دیدند. آموزش دختران محدود به خانه‌داری و صنایع دستی بود که نزد مادران می‌آموختند. برخی از دختران، قرآن را نزد زنانی از روستا فرامی‌گرفتند، که سواد قرآنی داشتند.

پوشش اهالی روستا

لباس اهالی روستا از پارچه‌های کرباسی دوخته می‌شد که زنان می‌بافتند. مردان، شلوارهای گشادی به رنگ مشکی یا آبی و پیراهن‌های کرباسی سفید بر تن می‌کردند. در روستا رنگرزی وجود نداشت. معمولاً فردی از اصفهان یا روستاهای اطراف می‌آمد و پارچه‌های کرباسی اهالی را رنگ می‌کرد. مردان کت‌های موسوم به «کت برک» به تن می‌کردند. پارچه این کت‌ها از کرک گوسفند تهیه می‌شد و از کت‌های امروزی بلندتر بود. همه مردان کت داشتند. دوخت کت‌ها برعهده خیاط‌های زن بود. علاوه بر کت، برخی از مردان عبا هم داشتند. عبا از کوهپایه یا اصفهان خریداری می‌شد. مردان سه نوع کفش داشتند: گیوه، پوتین و کفش معمولی. این کفش‌ها از اصفهان خریداری می‌شد. جوراب‌های پشمی و کلاه بخش دیگری از لباس مردان را تشکیل می‌داد که مردان آن‌ها را از پشم گوسفند و با میل می‌بافتند.

کوبه‌های مختلف برای زنان و مردان بود. در کنارهای در ورودی دو سکو برای نشستن رهگذران تعبیه می‌شد.

اتاق‌های خانه‌ها غربی - شرقی و شمالی - جنوبی ساخته می‌شد و در هوای سرد و گرم در بخش‌های مناسب خانه اقامت می‌شد. معمولاً در تابستان بیش‌تر از ایوان‌های جلوی اتاق‌ها استفاده می‌شد که به آن‌ها صفه می‌گفتند. علاوه بر انجام امور روزانه خانه از صفه‌ها برای خواب و استراحت نیز استفاده می‌کردند. هوای خنک این روستای کویری در شب‌ها بسیاری از اهالی را برای خوابیدن به پشت‌بام می‌کشاند. در قسمت‌هایی از بام خانه، که گنبدی نبود، رختخواب می‌گسترده و می‌خوابیدند. در زمستان برای گرم کردن خانه از کرسی و بخاری هیزمی استفاده می‌شد. گلوله‌های زغال، که از خاک زغال تهیه می‌شد، کرسی را گرم و دلپذیر می‌کرد. گاهی تنور مطبخ را با استفاده از هیزم گرم می‌کردند و روزها و شب‌ها را در مطبخ به سر می‌بردند.

در هر خانه اتاقی به نام مطبخ بود که در آن تنوری قرار داشت و خانم‌ها در آنجا به کار پخت‌وپز غذا و نان می‌پرداختند. پختن نان و غذا با استفاده از هیزم و در تنور انجام می‌شد. استفاده از چراغ تا پنجاه سال پیش معمول نبود. برای پختن و سرو غذا از انواع ظروف مسی استفاده می‌شد. برای آشامیدن آب از ظروف سفالی به‌ویژه کوزه و لیوان‌های سفالی استفاده می‌کردند. بعدها دوره‌گردها، تنگ‌های بلور به روستا آوردند و اهالی از آن‌ها استفاده کردند. صرف غذا روی زمین و به دور سفره‌های کرباسی انجام می‌شد. در خانه‌ها گلیم و فرش می‌انداختند و در هیچ خانه‌ای حتی خانه‌خان، مبلمان و میز و صندلی نبود. در هر خانه اتاق کوچکی موسوم به صندوق‌خانه بود که بقچه‌ها و وسایل و ظروف مسی داخل آن نگهداری می‌شد. معمولاً



شکل (۵) نمای داخلی خانه‌های روستا



جداگانه است.

سخن آخر

در این مقاله، کوشش شد ضمن گفت‌وگو با بزرگان روستا با فرهنگ و آداب و رسوم مردم این دیار آشنا شویم و با دیدی کامل و جامع و بدون برداشته‌های شخصی و دور از واقعیت، مطالب و یافته‌ها را مکتوب کنیم تا گذشت زمان، میراث پیشینیان را از یادمان نبرد. بررسی حاضر نشان داد که اگرچه یافته‌های جدید برخی محققان قدمت روستا را به پیش از اسلام می‌رساند، با این حال هنوز هیچ اقدام باستان‌شناسی برای کشف آثار بیشتر در منطقه انجام نشده است. چه بسا بررسی‌های عمیق و موردی در بخش‌های مختلف روستا به روشن‌تر شدن گوشه‌هایی از تاریخ ایران کمک کند.

مراسم مذهبی

در روستای قه‌ی مراسم سوگواری امام حسین (ع) با آداب خاصی برگزار می‌شود. در این مراسم، که با نام «زار» از آن یاد می‌شود، جوانان روستا دایره‌وار کنار هم می‌ایستند و سینه‌زنی می‌کنند. در حال حاضر، در روستا شش حسینیه و دوازده مسجد وجود دارد. از دیگر مراسمی که در زمان رونق شترداری در روز عاشورا برگزار می‌شد، شبیه‌سازی کاروان اسرای کربلا بود. این مراسم در روز عاشورا از مسجد حاج‌شیخ شروع می‌شد. معمولاً چهل شتر را با پارچه‌های الوان تزئین می‌کردند و روی آن کجاوه می‌بستند. شتران به دنبال دسته‌های زنجیرزنی حرکت می‌کردند. اسب‌سواری که نقش شمر را داشت، کاروان را همراهی می‌کرد.

گویش اهالی روستا

گویش اهالی روستا در اصطلاح عامیانه «ولاتی» خوانده می‌شود که همان گویش «ولایتی» است. این گویش در تمام مناطق بن‌رود، کوهپایه، هرنه، ورزنه، قه‌ی و... با اختلاف کمی رایج است. در گویش محلی، کلمات، افعال و ضمایر خاصی به کار می‌رود که آن را به زبانی خاص تبدیل کرده است.

برخی بر این باورند این گویش بازمانده اصل یا دگرگون‌شده گویش‌های باستانی و میانه ایران است. همچنین عده‌ای این گویش را همانند گویش یهودیان ساکن محله جوباره اصفهان می‌دانند (شفقی، ۱۳۸۱: ۱۸۴). برخی از افراد کهن‌سال روستا نیز، قرابت گویش ولایتی با زبان یهودیان را تأیید می‌کنند. بررسی ساختار زبانی گویش ولایتی و صحت ادعای قرابت این زبان با زبان یهودیان منطقه، نیازمند تحقیقی

افرادى که از اطلاعات آن‌ها درباره روستا در این مقاله استفاده شد، عبارت‌اند از: مرتضی انصاری‌مهر، سیدعلی‌اصغر تاجزاده، دولت کریمی، حیدر کاظمی، صدیقه بلخاری، فاطمه سلطانی‌متین، محمود سلطانی‌متین، اعظم کریمی، زهره کریمی، سیدابوالفضل تاجزاده، مهدی بلخاری. عکس آثار تاریخی روستا از: میناسادات تاجزاده فارغ‌التحصیل رشته عکاسی است.

منابع

۱. افضل‌الممالک، میرزا غلامحسین (۱۳۸۰). سفرنامه اصفهان. به اهتمام ناصر افشارفر. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و نشر، چاپ اول.
۲. حافظ ابرو (۱۳۸۰). زبدة‌التواریخ. مقدمه، تصحیح و تعلیقات از کمال حاج‌سیدجوادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات: نشر نی.
۳. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا. ج ۱۱ و ۱۳. زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر جعفر شهیدی. چاپ اول از دوره جدید. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۴. سسیرو، ماکسیم (۱۳۵۷). راه‌های باستانی ناحیه اصفهان و بناهای وابسته به آن‌ها. ترجمه مهدی مشایخی. تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
۵. همان، (بهار ۱۳۵۹). «تطور مساجد روستایی اصفهان». ترجمه کرامت‌اله افسر، نشریه اثر، شماره ۱، صص ۷۸-۵۲.
۶. شفقی، سیروس (۱۳۸۱). جغرافیای اصفهان. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۷. مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۶۲). نزهةالقلوب. به اهتمام لسترنج، چاپ اول. تهران: دنیای کتاب.
۸. مهریار، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ جامع نام‌ها و آبادی‌های کهن اصفهان، ج ۳. چاپ اول. اصفهان: رنگینه.
۹. یاقوت حموی، یاقوت‌بن عبدالله (بی‌تا). معجم البلدان، بیروت، دارصادر.